

# ادیان؛

## صلح و دوستی

سید محمد ثقفی  
پژوهشگر دینی



اخبار وحشت و رعب‌آور که هر روزه از رسانه‌ها پخش می‌شود و جهان را به دین‌هراسی ترغیب می‌کنند؛ آیا بنیانگذاران و آموزه‌های این ادیان و جهان‌بینی‌ها نیز خشونت را رواج داده‌اند و یا صلح و دوستی را بیشتر از راه تربیت اخلاق نوید داده‌اند؟

نگارنده در حدّ توان خود پیام‌های چند دین که هر کدام از آن‌ها در بخش بزرگی از جهان کنونی نفوذ دارند را مورد مطالعه قرار داده و آموزه‌های آن‌ها را در معرض داوری خواننده قرار می‌دهد.

دین‌ها یا جهان‌بینی قدسی که راقم سطور انتخاب کرده است، سه دین بزرگ آسیایی و اروپایی است:

۱. اسلام: که در بیشتر کشورهای آسیایی نفوذ دارد.
۲. مسیحیت: با این که خاستگاه مسیحیت شرق «قدس و اورشلیم» بوده است اما پیروان مسیح در همه قاره اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی و آفریقا حضور دارند.
۳. آیین کنفوسیوس که در کشور پهناور چین که دارای بزرگ‌ترین جمعیت کشورهای دنیا است. [یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر]

هر تمدنی را یک دین یا به قول مارکو پالیس<sup>۱</sup> یک باور راهبر برپا کرده است بر هر تمدنی یک باور اصلی در باب سرشت واقعیت حکم می‌راند. تمدن‌های سنتی آن باور اصلی را دارای سرچشمه الهی می‌دانند و اگر نمی‌خواهند از واژه «دین» استفاده کنند که اساساً اصطلاحی ابراهیمی است و اما برای ادیانی به‌مانند تا ناواجویا یا هویی (Hopi) آمریکای شمالی، از واژه «جهان‌بینی قدسی» می‌توان استفاده کرد که همه تمدن‌ها بر آن استوارند. این تمدن‌ها امروزه بخش بزرگی از حیات مادی و معنوی ملل روی زمین را تشکیل می‌دهند و کشورهای بزرگی بر پایه دین جهان‌بینی‌های قدسی پدید آمده‌اند.<sup>۲</sup>

اما سؤال اصلی این است که این جهان‌بینی‌ها یا ادیان چه ارمغانی به بشر هدیه آورده‌اند، آیا این‌ها خواسته‌اند حیات بشری را سامان بخشند و راهبری و هدایت نمایند و یا اینکه بر خلاف دینداران که همواره در حال جنگ با یکدیگر بوده‌اند، خواسته‌اند جنگ و نزاع و خصومت و دشمنی میان بشر ترویج نمایند و گسترش دهند؟!

امروزه جهان یا بیشتر کشورها از خصومت دینداران خشن در خاورمیانه حتی آمریکای شمالی در رنج و عذاب‌اند و



#### ۱. اسلام، دین صلح و دوستی

دقیقاً گویاترین متنی که دعوت جهانی، در خطاب با مردم درباره «صلح و دوستی» و زندگی همراه با طمأنینه، قرآن کریم است. در چندین مورد از قرآن چنین آیاتی را تلاوت می‌کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾<sup>۲</sup> ﴿فَلَا تَهْتَبُوا  
وَتَدْعُوا إِلَى السِّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ  
أَعْمَالَكُمْ﴾<sup>۴</sup>

در دعوت اسلامی که پیامبر از سران کشورها به عمل آورده است و ضمن نامه‌های رسمی ظهور اسلام و توحید الله را به زمامداران زمان ابلاغ کرده است، صلح و خیرخواهی را بشارت آیین جدید اعلام می‌کند. اینک دو نمونه از نامه‌های حضرت محمد ﷺ را که حاوی صلح و خیرخواهی است می‌خوانیم.

وقتی رسول الله بعد از صلح حدیبیه در سال ششم هجرت به مدینه برگشت نامه‌هایی که با مهر رسول الله مختوم شده بودند را ارسال کرد: نامه پیامبر به هرقل:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ إِلَى هِرَقْلَ عَظِيمِ الرُّومِ: سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، أَمَا بَعْدَ فَيَأْتِي

أدعوك بدعاية الإسلام أسلم تسلم»<sup>۵</sup> از محمد فرزند عبدالله به هرقل، بزرگ روم. درود بر پیروان هدایت من، تو را به آیین اسلام دعوت می‌کنم اسلام بیاور تا در صلح و سلامتی زندگی کنی.

نامه به کسری:

«من عهد رسول الله إلى كسرى عظيم فارس، سلام على من  
اتبع الهدى، أدعوك بدعاية الله... أسلم تسلم...»؛ از محمد رسول الله به کسری بزرگ ایران: درود بر آن کس که حقیقت جوید و به خدا و پیامبر او ایمان آورد... اسلام بیاور تا در صلح و دوستی زندگی کنی...<sup>۶</sup>

و همین‌طور نامه‌های دیگر ایشان به دیگر سران دولت‌ها و قبایل توأم با هدایت و آرزوی صلح و سلامتی برای رئیس دولت و ملت او می‌باشد.

در آموزه‌های اسلامی رفتار با پیروان دیگر ادیان بر مبنای محبت و دوستی است و هر گونه ظلم و اجحاف در حق آنان ممنوع است.

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ

خود حضرت مسیح و پیام او نوید بخش امید و رحمت و مزده دهنده به صفا و صلح و بی آلاشی بوده است.

### موعظه در کوه

گویاترین و شفافترین سخنان حضرت مسیح که جامعه یهودی و آسیب‌های آن را انتقاد می‌کند و راه‌های اصلاحی و ره‌آوردهای رسالتی خود را بیان می‌دارد، موعظه‌های مسیح در کوه است.

در باب پنجم انجیل متی، چنین آمده است:

«و گروهی بسیار دیده بر فراز کوه آمد و وقتی که او نشست، شاگردانش نزد او حاضر شدند. آنگاه دهان خود را گشوده و ایشان را تعلیم داد و گفت:

خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد؛ خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشا به حال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا ایشان به سرای خدا خوانده خواهند شد.

خوشا به حال زحمت‌کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

گمان نبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم، نیامده‌ام باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زائل نشود. همزه تا نقطه‌ای از تورات هرگز زائل نخواهد شد تا همه واقع شود. زیرا به شما می‌گویم تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهد شد.

شنیده‌اید که به اولین گفته شده است: قتل مکن و هر که قتل کند سزاوار حکم شود. لیکن من به شما بگویم هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را «راقا»<sup>۷</sup> گوید مستوجب قصاص باشد.

و هر که احمق گوید: متسحق آتش جهنم بود.

شنیده‌اید که به اولین گفته شده است، زنا مکن لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت‌اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است؛ شنیده‌اید که گفته شده است همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن، اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را

إِلَهُنَّاءَ وَ إِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَ تَحْنُ لَهُ مُسَلِّمُونَ<sup>۷</sup>؛ با اهل کتاب جز به نیکوترین راه مجادله نکنید. مگر با ستمکاران آن‌ها و به اهل کتاب بگویید: ما به کتابی که بر ما نازل شده و به کتابی که بر شما نازل شده ایمان آورده‌ایم خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم او هستیم.

### ۲. مسیحیت

آیین حضرت مسیح در سرزمین قدس (اورشلیم) بر پایه‌های دین یهود مبتنی است. پیروان اولیه حضرت مسیح همان یهودیان خداپرست بودند که دین خدا را در قالب آداب و تشریفات مذهبی خلاصه کرده بودند و با جمود خاصی به ویژه فرقه «فریسیان»، جامعه را به صورت یک اجتماع خشک فاقد محبت در آورده بودند.

در واقع حضرت مسیح به عنوان پیامبر اصلاح‌گر، جامعه‌ای را پدید آورده است که رکن اساسی و تار و پود آن به جای قشری‌گری، رحمت و محبت بوده باشد.

در حقیقت یکی از ویژگی‌های بارز دین مسیح این است که: خدای آن بر خلاف خدای دین یهود که بسیار انتقام

گیر، خشمگین و قهار بود،

بسیار مهربان و مانند پدر اغماض‌گر بود.

بشارت دین مسیح در «انجیل»، توسعه محبت و ایمان به رحمت و عفو و بخشش خداوندی است.

اگر چه در تاریخ بشریت، مؤمنان دین مسیح به‌مانند مؤمنان متعصب دیگر

ادیان با تعصب‌های خشک،

جنگ‌های بیهوده‌ای راه انداخته‌اند؛ و چه خون‌های

بی‌گناهی روی زمین را رنگین کرده است. در

جامعه غربی (در قرون وسطی) که بسط گسترش

آیین مسیح است، مشحون از قسارت‌ها، بی‌رحمی‌ها و خون‌ریزی‌ها بوده است، اما

■ **گرچه ادیان و مذاهب هر کدام در تمدنی جلوه‌گر شده و فرهنگ و نهادی به وجود آورده‌اند و مؤمنان پر و پا قرص، آن هم بیشتر متعصب و خشک اندیش ادعای پیروی از آن‌ها دارند اما در متن واقع دین، معلمان بشری چه انبیاء و چه حکیمان عالی مقام یک هدف را دنبال کرده‌اند و آن تربیت و رشد و تهذیب انسان است.**

■

محبت نمایید و به آنانی که از شما نفرت دارند احسان کنید».<sup>۹</sup>

بنابر تفسیر انجیل متی:

صفات ممتاز و برجسته انسان مسیحی در هشت خصلت مهم و چشمگیر خلاصه می‌شود:

۱. مسکینان روحی، کسانی که به ثروت اندک قانع هستند و در ذات خود متواضع‌اند.
۲. اندوه‌گینان، البته بر امور دنیایی بلکه بر تقصیرها و قصورهای خود.
۳. وداع‌کنندگان با خود، کسانی که خود را برای خداوند وقف کرده‌اند.
۴. گرسنگان و تشنگان برای انجام برّ و احسان.
۵. محبان، کسانی که برای خدا بر همه محبت می‌ورزند.
۶. پاکدلان که در دلشان بر احدی کینه‌ای ندارند و بداندیشی نمی‌کنند.
۷. صلح‌جویان، کسانی که بر ایجاد صلح و سلام میان خود و خدا، میان خود و مردم، میان خود و ذات خود تلاش می‌کنند.
۸. تلاشگران در راه احقاق حق و حقیقت.

حتی به کسی فحش و ناسزا نمی‌گویند. توهین روا نمی‌دارند.<sup>۱۰</sup>

#### از تکاز نخستین در تعالیم مسیح

موضوع اصلی تعالیم عیسی علیه السلام نزدیک بودن ملکوت خدا است.<sup>۱۱</sup>

امتناع ظاهری عیسی از متعصبانی که کمر به اخراج رومیان اشغالگر بسته بودند حکایت از آن دارد که او خشونت را شیوه‌ای عملی برای تحقق ملکوت خدا نمی‌داند.

بعضی دانشوران فکر می‌کنند هنگامی که عیسی گفت: دشمنانتان را دوست بدارید عمداً شیوه بدیلی به متعصبان عرضه داشت.

به نظر می‌رسد که مسیحیان در سه قرن نخستین موجودیت این دین بر این باور بودند که عیسی پیروان خود را از شرکت در هر نوعی از جنگ و خشونت منع می‌کند. مسیحیت دین صلح طلب بود.

صلح طلبی امروز مسیحیان به این ایام اولیه که مسیحیان برداشت درستی از مسیحیت داشتند باز می‌گردد. اما این موضوعی ساده نیست، روش معمول در ایامی که

مسیحیان اقلیتی مورد اذیت و اذیت بودند لزوماً در زمانی که این دین، دین اکثریت می‌شود و پیروان آن در اداره و هدایت سرونوشت ملتها دخیل می‌گردند عملی نیست.

مسیحیان معتقدند که خدا به صلح تمایل دارد. اما در عین حال مایل است که نوع بشر با برخورداری از عدالت و آزادی زندگی کند. اما هنگامی که صلح و عدالت تعارض می‌یابند چه می‌شود؟! آیا لحظه‌ای فرا می‌رسد که ظلم به قدری تحمل‌ناپذیر گردد که جنگ با آن گزینه سود و بدتر باشد؟! ممکن است مسیحیان بخواهند خشونت علیه خود را بدون مقاومت بپذیرند اما آیا هنگامی که دیگری که شاید ضعیف و بی دفاع باشد مورد تهاجم قرار می‌گیرد، عمل مسیحیانی که دست روی دست می‌گذارند و به تماشا می‌ایستند قابل توجیه است؟

بعضی مسیحیان در پاسخ به این سؤالات دشوار می‌گویند که جنگ اخلاقاً نادرست است و همواره نیز چنین بوده است و شرایط زندگی ایجاد شده در اثر جنگ هرگز بهتر از شرایط سرکوب و ستمی که برخی از مسیحیان برای دفاع آن اقدام به جنگ می‌کنند نیست.

گروهی دیگر از مسیحیان می‌گویند که ممکن است در

**الاهیون می‌گویند جنگ عادلانه جنگی است که دارای آرمان عادلانه باشد. وضعیتی بهتر از قبل را ایجاد کند و در آن تنها جنگ افزارهای مناسب به کار گرفته شود. امروز احتمالاً شرکت در یک جنگ عادلانه ممکن ولی بسیار دشوار است.**

شرایطی خاص، جنگ گزینه بد در مقایسه با بدتر باشد!

#### جنگ عادلانه!

این باور موجب بروز اندیشه «جنگ عادلانه» گردید. الاهیون می‌گویند جنگ عادلانه جنگی است که دارای آرمان عادلانه باشد. وضعیتی بهتر از قبل را ایجاد کند و در آن تنها جنگ افزارهای مناسب به کار گرفته شود. امروز احتمالاً شرکت در یک جنگ عادلانه ممکن ولی بسیار دشوار است.<sup>۱۲</sup>

### ۳. دین کنفوسیوس در چین

در چین و بلاد شرقی از ادیان تشریحی چندان اثر وجود ندارد آنچه از تعالیم و آموزه‌های دینی در چین دیده می‌شود بیشتر آموزه‌های اخلاقی و به اصطلاح «حکمت علمی» است.

#### وحی عقلانی

معمولاً علمای اسلام «وحی» را که هدایتگر انسان‌ها بوده است در سه نوع بیان داشته‌اند:

۱. وحی زبانی که خداوند بر همه انبیای بزرگ آن را اعطا فرموده که هدایتگر انسان‌ها باشند و منشأ ادیان تشریحی و وحیانی از این سرچشمه زلال الهی است.

۲. وحی نفسانی که احیاناً اولیای الهی در اثر صفای باطن گاهی به الهامات و مکاشفات دست می‌یابند که نفع‌های از الطاف خداوندی است.

۳. وحی عقلانی: عاقلان که بیشتر با حکمت عملی سر و کار داشته باشند گاهی از عمق عقل و حکمت خود به واقعیت‌هایی دست پیدا کرده‌اند که نه تنها خود، انسان وارسته و مهذب و اخلاقی بوده‌اند بلکه راهگشای اخلاقی و حکمت آمیز امت خود نیز شده‌اند.

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در خطبه ۲۲۲ جملاتی دارد که اشاره به این وحی عقلانی است:

وَمَا بَرَّحَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْآؤُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْزَامِ  
الْفَتَرَاتِ عِبَادُ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلْمُهُمْ فِي ذَاتِ عُسُولِهِمْ،  
فَاسْتَضْبَحُوا بُنُورَ يَقْظَةٍ فِي الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَفْئِدَةِ،  
يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ يُحَوِّفُونَ مَقَامَهُ بِمَنْزِلَةِ الْأَدْوَةِ

خداوند که نعمت‌های او گرانقدر است در دوران‌های مختلف روزگار و در دوران فترت (تا آمدن پیامبری پس از پیامبر دیگر) بندگانی داشته که با آنان در گوش جان‌شان زمزمه می‌کرد و در درون عقلشان با آنان سخن می‌گفت.

#### کنفوسیوس کیست

عالمان ادیان برای کنفوسیوس ترجمه و شرح حالی را نوشته‌اند که دوره تحصیل و کمال اخلاقی او در آن دوره به مرحله خوبی رسیده است:

گویند کنفوسیوس ریاست دیوان خانه «عدلیه» بوده است. در این مأموریت او شایستگی و لیاقت نشان داده و از تعدی

و تجاوز اشراف و ملاکان بر ضعفا جلوگیری کرده است. قواعد و مقرراتی وضع نمود که بر طبق آن اشخاص بدعمل و نادرست سرافکنده و شرمسار می‌گردیدند. مردان را به امانت و صداقت و زنان را به عفت و ادب تربیت می‌کرد. نام نیک او در السنه و افواه افتاد. از هر طرف طالبان علم و جویندگان دانش به منزلگاه او رهسپار می‌شدند تا از خرمن فضل و فضائل عالیه او خوشه چینی کنند.<sup>۱۳</sup>

چینی‌ها آموزه‌های کنفوس را «مکتب تعالیم حکیم» نامگذاری کرده‌اند.

#### مشترکات اسلام و آیین کنفوسیوس

به طور یقین بین ادیانی که ابعاد تربیتی و هدایتی آن‌ها در راستای نمود کمال انسان مؤثر بوده‌اند، می‌توان مشترکات زیادی پیدا کرد هرچند هرکدام از این آیین‌ها به نامی نامیده شده‌اند؛ از جمله آن‌ها اسلام و آیین کنفوسیوس است.

در میان نویسندگان مسلمان چینی استادی است به نام لیوژی (Li U Zhi) که سه کتاب برجسته دارد:

۱. جهان بینی اسلامی

۲. اخلاق اسلامی

۳. زندگانی پیامبر

یکی از موضوعات برجسته کتاب دوم لیوژی صحبت او درباره پنج اصل بنیادی در روابط انسانی از جمله: دوستی (صلح) است.

پنج اصل ثابت در تعالیم کنفوسیوس که به عنوان پنج فضائل مطرح می‌باشند عبارتند از:

انسانیت یا خیرخواهی، عدالت، دانش، صداقت و مراعات ادب و نزاکت.

این پنج اصل و یا فضیلت عمده تعالیم کنفوسیوس است که در آیین اسلام نیز به آن‌ها تأکید شده است.

دانشمندی چینی از «دوستی» به عنوان یک پدیده کیهانی صحبت می‌کند. او می‌گوید: «حکماء و اندیشمندان ایجاد دوستی با کیهان را با کمک فضایی واقعیت می‌بخشند که نمادی از اصول کیهانی است.

هنگامی که قدرتمندترین شخص جهان با آفتاب و ماه دوستی می‌کند والایی و نور او اثر می‌بخشد و جهان را روشن می‌سازد. هنگامی که او با زمین و خاک ایجاد دوستی می‌کند تواضع و فروتنی او مؤثر واقع شده و او را قادر می‌سازد تا مسئولیت انجام دادن کارهای مناسب را به

﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَاہٌ﴾<sup>۱۵</sup>  
 هر در که ز من صاحب آن خانه تویی  
 تو هر جا که روم پرتو کاشانه تویی تو  
 در میکده و دیر که جانانه تویی تو  
 مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو  
 مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

شیخ بهایی (ره)

### پانوشته‌ها:

۱. مارکو پالیسی Markco Polise پژوهشگر انگلیسی بزرگ دین بودایی تبتی.
۲. دوستی به مثابه جهان بینی: مقاله دکتر سیدحسین نصر به کوشش محمدجعفر امیر محلاتی انتشارات هرمس: ۱۳۹۶.
۳. بقره/ ۲۰۸.
۴. محمد/ ۳۵.
۵. آیت الله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۶۱۲، چاپ دارالتبلیغ اسلامی قم، بی تا.
۶. همان، ص ۶۱۶.
۷. عنکبوت/ ۴۶.
۸. واژه «راقا» یک لفظ آرامی است که در زمان مسیح در فلسطین شایع بود و به معنای فحش و ناسزا است. راقا، کسی را احمق خواندن گویند: تفسیر انجیل متی - فصل پنجم ۵۹ دارالمعارف مصر - بی تا.
۹. انجیل متی، باب پنجم، ص ۶ - ۷، انجمن بخش کتب مقدسه ۱۹۸۰.
۱۰. با تلخیص از تفسیر انجیل متی صفحه ۱۴۱ - ۱۴۲، ترجمه پاپ کریس ششم، کلیسای اسکندریه (مصر) دارالمعارف مصر، القاهرة، بی تا.
۱۱. انجیل مرقس ۱/۱۵۰.
۱۲. اخلاق در شش دین جهان، مقاله ترور شلتون - صفحه ۳۸۹ - ۳۹۰، ترجمه محمدحسین وقار، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۷۸.
۱۳. علی اصغر حکمت، نه گفتار در تاریخ ادیان، ج ۲ ص ۶۴، ابن سینا ۱۳۴۲.
۱۴. دوستی به نشانه جهان بینی، مقاله ساجیکو موراتا، ترجمه علی نقی سلطانی، ص ۱۷۰، انتشارات هرمس، ۱۳۹۶.
۱۵. مائده/ ۴۸.

عهده بگیرد. هنگامی که او با کوه‌ها و جنگل‌ها دوستی برقرار می‌کند و پاکی و نظافت او اثربخش می‌شود و او را قادر می‌سازد تا در انتقال خلایق‌ها سهیم شود. وقتی که او با رودخانه‌ها و دریاها ارتباط و دوستی برقرار می‌کند، جنبه مرطوب سازی و غنی سازی او تأثیرگذار می‌شود و برای تغذیه همگان از عهد باستان تا حال آمادگی پیدا می‌کند او هرگز تابع افراط و تفریط نیست»<sup>۱۴</sup> دوستی اساس زندگی و روابط انسانی است. نویسنده مسلمان چینی که تعالیم چینی را با آموزه‌های اسلامی تطبیق می‌دهد می‌نویسد:

■ **در دعوت اسلامی که پیامبر از سران کشورها به عمل آورده است و ضمن نامه‌های رسمی ظهور اسلام و توحید الله را به زمامداران زمان ابلاغ کرده است، صلح و خیرخواهی را بشارت آیین جدید اعلام می‌کند.**

■ برای دوستی با دیگران باید توجه کرد که او چگونه به والدینش خدمت و از آنان نگهداری می‌کند و همچنین طرز رفتار او را با خواهر و برادرش باید در نظر گرفت. اگر کسی از خدمت به والدین خود سر باز زد و به انتظارات خواهر و برادر خود بی توجه بود شایسته دوستی نیست. لیو می‌نویسد: وجود نقص در رابطه مالک و رعیت، پدر و پسر، زن و شوهر، برادر بزرگ‌تر و کوچک‌تر، مانع برقراری رابطه‌ای مبتنی بر اصول واقعی میان آن‌ها خواهد بود. کمک گرفتن از دوستی که با اعتماد به نفس و با جسارت است و با شما روراست صحبت می‌کند می‌تواند موجبات متنبه شدن شما از اشتباهات باشد. گرچه ادیان و مذاهب هرکدام در تمدنی جلوه‌گر شده و فرهنگ و نهادی به وجود آورده‌اند و مؤمنان پر و پا قرص، آن هم بیشتر متعصب و خشک اندیش ادعای پیروی از آن‌ها دارند اما در متن واقع دین، معلمان بشری چه انبیاء و چه حکیمان عالی مقام یک هدف را دنبال کرده‌اند و آن تربیت و رشد و تهذیب انسان است. آری هدایت عامه الهی شامل همه بندگان او بوده و هر که به طریقی راه دوست را می‌پیماید: